

رجبی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۸ق؛ العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین: محمد الفاسی (م. ۸۳۲ق.) به کوشش فؤاد سیر، مصر، الرساله، ۱۴۰۶ق؛ عمدة الطالب: ابن عنبه (م. ۸۲۸ق.)، به کوشش محمد حسن، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۰ق؛ مستدرکات اعیان الشیعه: سید حسن امین، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۸ق؛ موسوعة طبقات الفقهاء: جعفر سبحانی، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۸ق؛ موسوعة مكة المكرمة والمدینة المنوره: احمد زکی یمانی، مؤسسه الفرقان، ۱۴۲۹ق؛ النجف الاشرف و حركة الجهاد: کامل سلمان الجبوری، بیروت، مؤسسه العارف للمطبوعات، ۱۴۲۲ق؛ نقباء البشر: آقا بزرگ تهرانی، مشهد، دار المرتضی، ۱۴۰۴ق.

سید علی حسین پور



**آل زرنندی** ← زرنندی، خاندان

**آل زیان** ← زیان، خاندان

**آل زید** ← زید، خاندان

**آل سعود:** خاندان سلطنتی حاکم بر

بخش‌هایی از شبه جزیره عرب و سپس

سراسر عربستان سعودی، از سده هجدهم تا

کنون

آل سعود نام خاندان پادشاهی کشور

عربستان سعودی است که دو شهر مقدس مکه

و مدینه در قلمرو آنان بود. اجداد این خاندان

مانند دیگر قبیله‌های عرب بر منطقه زیر نفوذ خود، یعنی بخشی از نجد\* فرمان می‌راندند و از جایگاهی ویژه برخوردار نبودند و در اداره کارهای مکه و مدینه نقشی نداشتند.<sup>۱</sup>

◀ **اصل و نسب:** درباره نسب آنان دو نظر کاملاً متفاوت وجود دارد. یکی این که از اعراب اصیل شبه جزیره عربستان هستند و دیگری این که ریشه غیر عربی دارند و در طول زمان به قبایل عرب پیوسته‌اند. بر پایه نظر نخست، آل سعود از تیره‌های قبیله عنزه، یکی از قبایل بزرگ و معروف عربی‌اند و نسبشان به ربیعہ، نزار، معد و سرانجام عدنان\* می‌رسد.<sup>۲</sup> این گروه جد آل سعود را «مقرن بن مرخان» از تبار بکر بن وائل می‌دانند.<sup>۳</sup> ادله فراوان برای اثبات این نظر ذکر نشده و تنها سندی که می‌توان به آن استناد کرد، چند شجره‌نامه متأخر است<sup>۴</sup> که به اعتقاد برخی، دروغین و ساختگی هستند. محمد بن امین تمیمی، مسئول عالی کتابخانه‌های عربستان سعودی، به عنوان یکی از متهمان تزویر در این موضوع نام برده می‌شود.<sup>۵</sup>

بر پایه نظر دیگر، آل سعود ریشه‌ای یهودی

۱. جزيرة العرب، ص ۲۱۵؛ آل سعود، ص ۸.

۲. تاریخ الجزیره، ص ۱۴۹.

۳. تاریخ نجد الحدیث، ص ۶۲.

۴. تاریخ نجد الحدیث، ص ۱۰۸.

۵. تاریخ آل سعود، ج ۱، ص ۱۷۷.

دارند و از بصره به شبه جزیره آمده‌اند. صاحبان این نظر، انتساب آل سعود را به قبیله عنزه درست نمی‌دانند و بر این باورند که جد بزرگ آنان «مردخای بن ابراهیم بن موشی» تاجری یهودی در بصره بوده است. بر پایه گزارشی، به سال ۸۵۱ق. کاروانی از عشیره مسالیح از قبیله عنزه برای خرید غلات رهسپار عراق می‌شود. مردخای نزد آنان می‌رود و ادعا می‌کند از عمو زادگان آنهاست و سپس همراهشان به نجد می‌رود. او پس از مدتی سرگردانی و جابه‌جایی در مناطق مختلف نجد، سرانجام در جایی نزدیک ریاض کنونی ساکن می‌شود و آن را درعیه نام می‌نهد<sup>۱</sup> و نام خود را نیز به «مرخان بن ابراهیم بن موسی» تغییر می‌دهد. مرخان با قبایل بسیاری وصلت کرد و نتیجه این ازدواج‌ها فرزندان فراوان بود که همگی نام‌های عربی داشتند. فرزند بزرگ او نیز که از بصره همراه پدر به نجد رفته بود، نامش را از «ماکرن» به «مقرن» تغییر می‌دهد. او فرزندان به نام‌های محمد و سعود داشت. از این پس نام‌های یهودی به فراموشی سپرده می‌شوند و آل سعود نام اصلی این خاندان می‌گردد.<sup>۲</sup> صاحبان این نظریه برای اثبات ادعای خود، به این ادله و قراین استناد می‌کنند: ۱. در میان نیاکان آل سعود، نام‌های همانند اسامی

یهودی به چشم می‌خورد.<sup>۳</sup> شجره‌نامه‌های آل سعود از چنان دنباله بلندی برخوردارند که هیچ همانندی در میان اشخاص یا تیره‌های دیگر ندارد. شجره‌نامه آنان تا ۴۷۰ مرتبه ادامه می‌یابد و در مقایسه با سلسله نسب پیامبر ﷺ با ۲۱ مرتبه، شگفت‌انگیز و مشکوک به نظر می‌رسد.<sup>۴</sup> ۳. در سده اخیر، موضوع یهودی بودن آل سعود توجه برخی رسانه‌های عربی را برانگیخت؛ اما ملک فیصل و دیگر مسئولان سعودی به آن واکنش نشان ندادند.<sup>۵</sup>

#### ◀ تاریخ سیاسی: آل سعود حکومت

خود را از شهر کوچک درعیه در سرزمین نجد آغاز کردند. این خاندان از سال ۱۱۳۹ق. تا کنون در سه دوره جداگانه حکومت کرده و هر بار طی لشکرکشی‌ها و جنگ‌هایی به مرور حکومت خود را در سراسر نجد و حجاز گسترش داده‌اند.

#### ▼ دوره یکم (۱۱۳۹-۱۲۲۳ق.): پس از

ثبات نسبی حکمرانی کوچک درعیه در زمان سعود بن مقرن، حمله سعودیان به سرزمین‌های اطراف برای گسترش نفوذ آغاز شد و فرزند وی محمد به طور رسمی سلطنت آل سعود را تأسیس کرد.<sup>۶</sup> محمد بن سعود در سال ۱۱۵۷ق.

۳. تاریخ آل سعود، ج ۱، ص ۱۸.

۴. تاریخ آل سعود، ج ۱، ص ۱۷۷.

۵. تاریخ آل سعود، ج ۱، ص ۱۷-۱۸.

۶. تاریخ المملكة العربية السعودية، ج ۱، ص ۳۲.

۱. تاریخ آل سعود، ج ۱، ص ۱۴-۱۵.

۲. تاریخ آل سعود، ج ۱، ص ۱۸.

با محمد بن عبدالوهاب هم‌پیمان شد.<sup>۱</sup> با این پیمان که به «البيعة الكبرى» معروف گشت، حکومت و سلطنت از آن محمد بن سعود و خاندانش؛ و رهبری دینی از آن محمد بن عبدالوهاب و نسل وی به گونه موروثی شد. این سنت تا امروز همچنان پابرجاست و تعالیم محمد بن عبدالوهاب به طور رسمی در عربستان ترویج می‌شود.<sup>۲</sup> (← وهاپیت)

با تکیه بر این پیمان و به بهانه شرك‌زدایی و بر پایی توحید، قلمرو آل سعود از طریق قتل و غارت و خونریزی در بخش بزرگی از شبه جزیره به مرور گسترده شد.<sup>۳</sup> بر پایه فتوای محمد بن عبدالوهاب، همه عرب‌های شبه جزیره کافر به شمار می‌رفتند و از دین اسلام خارج شده بودند و تنها کسی در امان می‌ماند که از توحید محمد بن عبدالوهاب پیروی کند. در غیر این صورت، جان و مالش مباح می‌شد.<sup>۴</sup> هر کس به کیش وهاپی می‌گروید، باید دیگر بار شهادتین را بر زبان می‌آورد و گواهی می‌داد که خود و پدر و مادرش کافر بوده‌اند.<sup>۵</sup> در سال ۱۲۲۸ق. با حمله ابراهیم پاشا والی مصر، این دوره به پایان رسید و عبدالله بن

سعود به دست ابراهیم پاشا دستگیر و به آستانه تحویل داده شد.<sup>۶</sup> مهم‌ترین رویدادهای این دوره عبارتند از: حمله سعود بن عبدالعزیز به کربلا در سال ۱۲۱۶ق.<sup>۷</sup> که حدود ۲۰۰۰ نفر در آن کشته شدند؛<sup>۸</sup> تصرف مکه و مدینه در سال‌های ۱۲۱۸ق. و ۱۲۲۰ق. و ویرانی مقابر و مشاهد در مکه و مدینه؛<sup>۹</sup> فتح ریاض به دست عبدالعزیز پس از ۲۷ سال جنگ میان آل سعود و ابن دواس که قربانیان بسیاری از دو طرف بر جای نهاد.<sup>۱۰</sup> در این دوره، بر اثر حملات پیاپی مصریان به فرماندهی طوسون\* در سال ۱۲۲۸ق. شریف غالب، امیر حجاز، تبعید شد و محمد علی پاشا، حاکم مصر، در سال ۱۲۳۰ق. بر فیصل بن سعود چیره گشت.<sup>۱۱</sup>

▼ دوره دوم (۱۲۴۰-۱۳۰۹ق.): پس از بازگشت ابراهیم پاشا به مصر، عبدالله بن محمد بن سعود در سال ۱۲۲۵ق. دولت دوم را تأسیس کرد. وی ریاض را بازستاند و آن را به جای درعیه، مرکز حکومت قرار داد.<sup>۱۲</sup> در این دوره، شماری از پادشاهان سعودی که

۶. البقیع قصة التدمیر، ص ۹۰.  
۷. عنوان المجد، ج ۱، ص ۱۲۱؛ تاریخ المملكة العربية السعودية، ج ۱، ص ۷۳.

۸. حياة الشيخ محمد بن عبدالوهاب، ص ۲۸۶-۲۸۷.

۹. عنوان المجد، ج ۱، ص ۱۳۶-۱۳۷.

۱۰. تاریخ المملكة العربية السعودية، ج ۱، ص ۴۲.

۱۱. عجائب الآثار، ج ۳، ص ۴۰۸؛ فتنة الوهابیه، ص ۱۶.

۱۲. جزيرة العرب، ص ۲۲۸.

۱. تاریخ نجد الحديث، ص ۴۰؛ كشتار مکه، ص ۵۶.

۲. تاریخ الجزیره، ص ۱۵۹.

۳. جزيرة العرب، ص ۳۱۰.

۴. آل سعود، ص ۹.

۵. الدرر السنية، ص ۴۶.

میان پادشاهی نجد و ملک حسین و برچیده شدن حکومت اشراف بر حجاز؛<sup>۵</sup> قتل عام و کشتار دوم مدینه و شهرهای اطراف؛<sup>۶</sup> ادغام دو پادشاهی جداگانه نجد و حجاز<sup>۷</sup> و تعیین نام «المملكة العربية السعودية» در سال ۱۳۵۱ق.م/ ۱۹۳۹م. برای کشور زیر سلطه آل سعود. (تصویر شماره ۵)

بدین ترتیب، آل سعود با پیروزی بر دو رقیب دیرین خود یعنی آل رشید و اشراف\* حجاز، حاکم مطلق شبه جزیره شدند. رفتارهای آنان، به ویژه در دوره سوم، مخالفت کشورهای مختلف را به همراه داشت. تصرف وحشیانه حجاز، برکناری اشراف هاشمی و ناآرامی‌های پس از آن، بسیاری از کشورهای اسلامی را به رژیم سعودی بدگمان کرد. افراطی‌گری خاندان سعودی در میان اهل سنت و افزایش نگرانی کشورها، به ویژه ایران به عنوان تنها کشور شیعه، از بی‌حرمتی و تخریب آرامگاه چهره‌های مورد احترام و مکان‌های مقدس در مکه و مدینه، موجی از مخالفت را برانگیخت. اعلامیه مفتی بزرگ مصر در ممنوعیت حج، نخستین واکنش مخالفت‌آمیز بود. مردم دیگر کشورها از جمله مسلمانان هند نیز کارهایی از این دست انجام

آخربنشان عبدالرحمن بن فیصل بود، تا سال ۱۳۰۹ق. حکومت کردند. سرانجام آل رشید، از خاندان‌های با نفوذ و معروف شبه جزیره که از هم پیمانان آل سعود بود، بر آنان شورید و با غلبه بر ایشان، دیگر بار سلطنتشان را برانداخت. آن‌گاه عبدالرحمن بن فیصل به منطقه کویت پناهنده شد.<sup>۱</sup>

▼ دوره سوم (۱۳۱۹ق. تا کنون): با مزوی شدن خاندان سعودی، آل رشید قدرت را یکسره از آن خود کردند. آنان سلسله‌ای از امیران عرب از قبیله شمر بودند که از آغاز سده هجدهم بر سرزمین سریر در شمال نجد حکمرانی داشتند و مرکز حکومت آنان شهر «حایل» بود. معمولاً آل رشید و آل سعود در زد و خورد و جنگ به سر می‌بردند.<sup>۲</sup> فرزند عبدالرحمن به نام عبدالعزیز پس از سال‌ها زندگی در کویت به سال ۱۳۱۹ق. به ریاض رفت و پنهانی وارد قصر آل رشید شد و با کشتن حاکم وقت، دوره سوم سلطنت آل سعود را پایه نهاد.<sup>۳</sup> این دوره تا کنون ادامه یافته و مهم‌ترین رویدادهای آن عبارتند از: حمله به حجاز در سال ۱۳۴۳ق.؛<sup>۴</sup> اختلاف

۱. تاریخ نجد الحدیث، ص ۱۰۶.

۲. در خاورمیانه چه گذشت، ص ۳۴۹.

۳. جزیره العرب، ص ۲۳۹.

۴. جزیره العرب، ص ۲۶۶؛ تاریخ المملكة العربية السعودية، ج ۲.

ص ۲۸۹.

۵. جزیره العرب، ص ۲۰۶-۲۱۴.

۶. البقیع قصة التدمیر، ص ۱۱۰.

۷. کشتار مکه، ص ۶۷.

دادند. ایران نیز در ۲۵ اسفند ۱۳۰۴ ش. عزیمت زائران به عربستان را رسماً ممنوع اعلام کرد.<sup>۱</sup> تبلیغات اشراف هاشمی و انتشار گزارش‌هایی از تخریب و کشتار، در گسترش این موج مخالفت مؤثر بود. در گزارشی از وزیر خارجه حکومت حجاز «فؤاد الخطیب» به وزیر مختار ایران «غفار خان جلال السلطنه» ضمن شرح مفصل حمله به طائف و رفتار سعودیان در مکه و مدینه، از ایران درخواست شد برای جلوگیری از این گونه فعالیت‌های عربستان اقدام کند. البته ایران در آن دوره تمایلی به حمایت از حکومت حجاز نشان نداد و سرگرم تنظیم روابط خود با حکومت جدید عربستان بود.<sup>۲</sup>

عربستان سعودی در این دوره، به ویژه دوران ملک فیصل (حک: ۱۹۶۴-۱۹۷۵ م.) روزگاری سرشار از تحولات را پشت سر نهاد و در زمینه سیاست‌گذاری داخلی و به ویژه خارجی، و نیز تغییرات اقتصادی-اجتماعی، دگرگون شد. یکی از مهم‌ترین رخدادهای این دوره، تأسیس سازمان کنفرانس اسلامی\* بود که در سال ۱۳۹۴ ق./۱۹۷۴ م. با حضور شش عضو تشکیل شد و نخستین بار سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان تنها نماینده مردم

فلسطین در آن شرکت کرد.<sup>۳</sup> اشغال مسجدالحرام در زمان ملک خالد به سال ۱۳۹۹ ق./۱۹۷۹ م. یکی از رویدادهای مهم این دوره است. این اشغال به دست گروهی مسلح از مخالفان سلطنت خاندان سعودی و متمایل به اخوان المسلمین، به فرماندهی محمد بن عبدالله قحطانی صورت گرفت؛ اما با دستگیری و اعدام شورشیان این آشوب پایان یافت.<sup>۴</sup>

#### ◀ عوامل چیرگی آل سعود بر

**عربستان و تثبیت حکومت سعودی: آل سعود** که حکومت خود را با تسلط بر شهر کوچک درعیه آغاز کرده بودند، در نیمه اول سده بیستم، بر اثر عوامل زیر به حکومت بی‌رقیب منطقه در سراسر نجد و حجاز تبدیل شدند:

▼ **۱. قدرت و تسلط بنیان‌گذار دور سوم حکومت سعودی:** محمد بن عبدالعزیز بن فیصل، از بزرگ‌ترین و قدرتمندترین فرمانروایان سعودی، با هجوم‌های سخت و کوبنده و بهره‌گیری از حرکت «اخوان التوحید» توانست مخالفان خود را در میان قبایل مختلف سرکوب کند. اخوان التوحید سازمان دینی-نظامی وهابیان و مهم‌ترین ابزار پیشبرد اهداف عبدالعزیز به شمار می‌رفت.

۱. روابط ایران و عربستان، ص ۵۲-۵۷.

۲. اسناد روابط ایران و عربستان، سند شماره ۱۰، «پیام رئیس

حزب ملی حجاز به وزیر مختار ایران»، نمره ۷۱۴.

۳. سرزمین سلاطین، ج ۲، ص ۶۱۹.

۴. سرزمین سلاطین، ج ۲، ص ۷۳۱.

عبدالعزيز افزون بر سرکوب قبایل مخالف که دشمنان کوچک تر او بودند، دو دشمن قوی و رقیب خود، یعنی آل رشید و اشراف هاشمی را نیز از میان برد و حکومتی قدرتمند و بی رقیب پدید آورد.<sup>۱</sup>

۲. پشیبانی انگلیس: این عامل چندان مهم و مؤثر است که می توان آن را زمینه تأثیر عامل پیشین قلمداد کرد. انگلیس که منافع خود را در برابر عثمانی و آل رشید در خطر می دید، در همان سال های آغازین شکل گیری حکومت سوم سعودی، با بهره جستن از اعراب مخالف آل رشید، یعنی شیخ مبارک، حاکم کویت، قبایل وهابی مذهب و یکی از قبایل جنوب عراق به نام «منتفق» ائتلافی به سرکردگی عبدالعزیز پدید آورد.<sup>۲</sup> پس از تأسیس حکومت سوم سعودی، انگلیس برای دستیابی به اهداف خود، آل سعود و آل هاشم را به بازی گرفت؛ بدین ترتیب که افسری از کارگزاران خود را نزد هر یک فرستاد. «ادوارد لارنس» را نزد شریف حسین و «ویلیام شکسپیر» را نزد ابن سعود گسیل نمود. سپس «هری سنت جان فیلیپ» که خود را مسلمان نشان می داد و نامش را عبدالله نهاده بود، به جای شکسپیر از مشاوران ویژه عبدالعزیز شد.<sup>۳</sup>

انگلیس با هر دو طرف پیمان های مختلف بست و به آنان وعده های همانند برای حکومت بر عربستان بزرگ داد. اگر چه انگلیس برای دستیابی به منافع خود، از حامیان بزرگ آل سعود بود، سیاست دو گانه اش ایجاب می کرد در موقعیت های مقتضی بر ضد عربستان اقدام کند؛ مانند تاختن بر نجد به دنبال گردهمایی ۱۳۳۹ق. / ۱۹۲۱م. که در آن، ابن سعود را پادشاه نجد و همه سرزمین های وابسته شناختند<sup>۴</sup> و نیز حمله به نجد در سال ۱۳۴۶ق. / ۱۹۲۸م.<sup>۵</sup>

◀ آل سعود و حجاز: چنان که اشاره شد، اهمیت حجاز به سبب وجود دو شهر مقدس مکه و مدینه و مرکزیت دینی آن است. آل سعود در سه سده حکومت خود، نقشی اساسی در تحولات منطقه حجاز داشته اند:

۱. غلبه بر اشراف و تصرف حجاز: از زمان روی کار آمدن خلفای فاطمی، منطقه حجاز زیر نظر اشراف و جدا از حکومت های مرکزی اداره می شد.<sup>۶</sup> با روی کار آمدن آل سعود، این روند همچنان ادامه داشت؛ اما به دو دلیل میان آل سعود و اشراف نزاعی همیشگی وجود داشت: اول حرکت اصلاح دینی و

۱. سرزمین سلاطین، ج ۲، ص ۲۰۳-۲۱۱.

۲. تاریخ عرب، ص ۵۳۴-۵۳۵.

۳. قلب الجزيرة، ص ۳۸۰-۳۸۲.

۴. تاریخ معاصر کشورهای عربی، ج ۱، ص ۲۶۲.

۵. تاریخ معاصر کشورهای عربی، ج ۱، ص ۲۶۳-۲۶۹.

۶. جزيرة العرب، ص ۱۴۸.

دعوت محمد بن عبدالوهاب که به عقیده خودشان بر پایه انکار بدعت‌ها و خرافات بود؛ و دوم آن که اشراف به سبب سیادت خود، حکمرانی دیگران را بر سر مکه و مدینه نمی‌پذیرفتند.<sup>۱</sup> با تصرف مکه و مدینه در دو دوره، نفوذ اشراف کاسته و سپس یکسره برچیده شد. شریف مکه غالب بن مساعد در نامه‌ای که به سعود بن عبدالعزیز نوشت، از او خواست تا یکی از دانشوران وهابی را بفرستد تا وی را از حقیقت وهابیت آگاه کند؛ اما این دعوت به نتیجه مطلوب نینجامید و زمینه‌ساز جنگ میان نجد و حجاز شد.<sup>۲</sup> آل سعود نخستین بار در سال ۱۲۱۸ق. به حجاز حمله کردند. در این حمله، سعود دوم پس از تصرف مکه، شریف غالب را برکنار و برادرش عبدالمعین را به جای وی منصوب کرد.<sup>۳</sup> در سال ۱۲۲۰ق. سعودیان به مدینه نیز هجوم بردند.<sup>۴</sup> با سقوط دولت اول آل سعود در سال ۱۲۲۸ق. به دست ابراهیم پاشا، شریف غالب\* به مکه بازگشت و حجاز از سلطه آل سعود خارج شد.<sup>۵</sup> از آن پس، مقابر و مشاهد تا اندازه‌ای بازسازی شدند.<sup>۶</sup>

در دولت سوم، شریف حسین به سال ۱۳۲۶ق. به عنوان شریف مکه روی کار آمد.<sup>۷</sup> پس از چندی شریف حسین خود را پادشاه عرب نامید و همین انگیزه اختلاف میان او و پادشاه نجد یعنی ملک عبدالعزیز را فراهم کرد.<sup>۸</sup> عبدالعزیز در ۹ شعبان ۱۳۳۴ق./۱۹۱۶م. استقلال پادشاهی حجاز را اعلان کرد.<sup>۹</sup> در سال ۱۳۳۸ق. نجدیان را از گزاردن حج بازداشت.<sup>۱۰</sup> حجاز از نظر اقتصادی و به ویژه سیاسی برای انگلیس اهمیت فراوانی داشت.<sup>۱۱</sup> اما انگلیسیان با نجد نیز روابط نزدیک داشتند و برای تأمین منافع دو سویه خود، به این اختلافات دامن می‌زدند.<sup>۱۲</sup> سرانجام در ذی قعدة ۱۳۴۳ق./۱۹۲۴م. جلسه‌ای به ریاست عبدالرحمن بن فیصل تشکیل شد که پادشاه، علما و رؤسای قبایل در آن حضور داشتند. در این جلسه، صلاحیت شریف حسین برای حکومت بر حجاز را مردود شمردند و با حمله به حجاز موافقت کردند.<sup>۱۳</sup>

در همین سال، ملک عبدالعزیز بر شریف

۷. جزیره العرب، ص ۱۵۰.

۸. جزیره العرب، ص ۲۰۶.

۹. خطط الشام، ج ۳، ص ۱۳۹.

۱۰. الاسلام و الوثنية، ص ۱۱۲؛ تاریخ امراء مكة المكرمة، ص ۸۱۹؛

تاریخ المملكة العربية السعودية، ج ۲، ص ۲۹۱.

۱۱. کنتار مکه، ص ۵۹-۶۱.

۱۲. تاریخ الحجاز السياسي، ص ۳۰۹-۳۴۴.

۱۳. تاریخ المملكة العربية السعودية، ج ۲، ص ۲۸۹.

۱. جزیره العرب، ص ۲۰۲.

۲. تاریخ نجد الحديث، ص ۶۷.

۳. جزیره العرب، ص ۲۲۰.

۴. عنوان المجد، ص ۲۱۷.

۵. تاریخ نجد الحديث، ص ۶۷.

۶. البقیع قصة التدمير، ص ۹۱.

مالشان مباح بود. از این رو، هر که به آیین وهابیت درمی آمد، باید پس از شهادتین، گواهی می داد که خود و پدر و مادرش کافر بوده اند.<sup>۷</sup> بدین سبب، بیشتر دوره های اقتدار آل سعود با حوادث خونین و خشونت بار همراه بوده که تفصیل آن در نوشته های مورخان آل سعود، خواه موافقان و خواه مخالفان آمده است.<sup>۸</sup> شماری از این حوادث به سبب اختلاف درباره سلطه بر حجاز و مکان های مقدس آن، در این منطقه رخ داد<sup>۹</sup> که کشتار طائف از نمونه های نمایان آن است. این حادثه هنگامی رخ داد که بسیاری از اهالی مکه برای ییلاق به طائف رفته بودند. پس از آن که علمای وهابی فتوای حمله به حجاز را دادند، در هفتم صفر ۱۳۴۳ ق. ملک عبدالعزیز به آن سرزمین هجوم برد و مرد و زن و کودک را از دم تیغ گذراند.<sup>۱۰</sup> این قتل عام به قدری گسترده و بی رحمانه بود که واکنش هایی تند را در کشورهای دیگر برانگیخت و عبدالعزیز را ناچار کرد پس از اظهار تأسف، برخی از نیروهایش را بازگرداند.<sup>۱۱</sup> پیش از این در سال

حسین چیره و وارد مکه شد.<sup>۱</sup> وی در سال ۱۳۴۴ ق. خود را پادشاه حجاز نامید<sup>۲</sup> و با او بیعت کردند.<sup>۳</sup> نخستین بار شوروی حکومت آل سعود را که اکنون بر سراسر نجد و حجاز حکم می راند، به رسمیت شناخت و سپس کشورهایی همچون بریتانیا، هلند، ترکیه، بلژیک، سوئیس و آلمان به ترتیب چنین کردند. ایران در سال ۱۹۲۹ م. با تأخیر، حکومت سعودی را به رسمیت شناخت. علت این تاخیر، حملات سعودیان به مکه و مدینه و تخریب مقابر و مشاهد آن سرزمین بود.<sup>۴</sup> در محرم سال ۱۳۴۶ ق. نمایندگان کشورهای اسلامی و عربی در همایش کشورهای مسلمان در مکه، قطعنامه ای صادر کردند و عبدالعزیز بن عبدالرحمن را حافظ «عتبات مقدسه اسلامی» در مکه و مدینه خواندند.<sup>۵</sup> وی در سال ۱۳۵۱ ق. / ۱۹۳۹ م. پس از ادغام دو پادشاهی جداگانه نجد و حجاز، پادشاهی عربستان سعودی را تأسیس کرد.<sup>۶</sup>

## ۲.۷. کشتار و قتل عام در حجاز: در قلمرو

آل سعود، بر پایه تعالیم محمد بن عبدالوهاب، عموم مسلمانان کافر به شمار می رفتند و جان و

۷. خلاصة الكلام، ص ۲۲۹.

۸. نک: مذکرات فیلی فی العراق، ص ۳۸۶-۳۹۰.

۹. نک: تاریخ آل سعود، ج ۱، ص ۱۷۲-۱۷۳؛ عنوان المجده، ج ۱،

ص ۲۱۰؛ کشتار مکه، ص ۶۵.

۱۰. الاسلام و الوثنية السعودية، ص ۱۱۵؛ البقیع قصة التدمیر،

ص ۱۰۸.

۱۱. تاریخ الحجاز السياسي، ص ۳۷۷.

۱. جزيرة العرب، ص ۲۶۳.

۲. کشتار مکه، ص ۶۶.

۳. تاریخ المملكة العربية السعودية، ج ۲، ص ۲۸۷.

۴. تاریخ نجد الحدیث، ص ۳۵۵.

۵. تاریخ معاصر کشورهای عربی، ج ۲، ص ۱۶۴.

۶. کشتار مکه، ص ۶۷.



۱۲۱۸ق. عثمان المضایفی، سرکرده لشکر سعود بن عبدالعزیز، به حجاز لشکر کشیده و با این که بدون مقاومت مردم وارد طائف شده بود، بسیاری را در کوچه و بازار و خانه‌هایشان کشته و اموال آنان را به تاراج برده بود. آنان اگر چه در مکه قتل و کشتار صورت ندادند، خرابی‌های بسیار به بار آوردند.<sup>۱</sup> سپس این لشکرکشی‌ها را به سمت جده ادامه دادند؛ اما با مقاومت جدی روبه‌رو شدند و سرانجام آن سرزمین را رها کردند.<sup>۲</sup> افزون بر این کشتارها، شمار بسیاری از مردم مکه در محاصره‌های پیش از آن، بر اثر قحطی و گرسنگی تباہ شدند. در سال ۱۲۲۰ق. مکه در محاصره آل سعود قرار گرفت و همه راه‌های ارتباطی از سوی حجاز و یمن و نجد و تهامه بسته شد و ورود کاروان‌هایی که غذا و نیازمندی‌های مردم را فراهم می‌کردند، ناممکن شد. از این روی، پس از مرگ تعدادی از مردم شهر، شریف غالب، حاکم مکه، به پذیرش صلح ناچار گشت و آیین وهابیت را به طور موقت پذیرفت.<sup>۳</sup>

**۳.۷. تخریب مشاهد و مقابر: طی دو** لشکرکشی آل سعود به حجاز، کشتار و خرابی‌های بسیار به بار آمد. دردناک‌تر از همه، ویرانی مقابر، مشاهد، مساجد و خانه‌های

کهن بازمانده از صدر اسلام در مکه و مدینه بود. وهابیان بدون توجه به اهمیت دینی و تاریخی این بناها، آن‌ها را ویران کردند.<sup>۴</sup> ویرانی نخست به سال ۱۲۱۸ق. در مکه<sup>۵</sup> و سال ۱۲۲۰ق. در مدینه رخ داد<sup>۶</sup> که خشم مسلمانان را برانگیخت و همراه عواملی دیگر، زمینه سقوط آل سعود را در سال ۱۲۲۸ق. فراهم آورد.<sup>۷</sup> در حمله دوم به مکه و مدینه، این ویرانی‌ها بار دیگر رخ داد.<sup>۸</sup> مهم‌ترین بناهای ویران شده به دست آل سعود در مکه، عبارتند از: خانه ارقم\* بن ابی ارقم که نخستین پایگاه پنهان تبلیغ توحید در صدر اسلام در دامنه کوه صفا بود؛ دارالندوه\* یکی از کهن‌ترین مکان‌های مکه که به دست قصی بن کلاب برای رایزنی درباره مهم‌ترین کارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی مکه ساخته شده بود؛ خانه حضرت خدیجه علیها السلام در محله معروف به «حی القشاشیه» در کوچه حجر؛ خانه ابوطالب\* در ابتدای منازل بنی‌هاشم و در چند متری زادگاه پیامبر؛ زادگاه حمزه سیدالشهداء علیه السلام پایین مکه در محل «بازان»؛ خانه عبدالله بن جدعان\* در پشت صفا و مروه که پیمان

۴. جزیره العرب، ص ۲۷۳؛ کشتار مکه، ص ۵۷.

۵. تاریخ امراء مکه، ص ۸۱۹؛ تاریخ الجزیره، ص ۳۷۸.

۶. تاریخ الجزیره، ص ۳۷۸؛ جزیره العرب فی القرن العشرين،

ص ۲۲۰-۲۲۱؛ عنوان المجد، ج ۱، ص ۱۲۶-۱۳۷.

۷. البقیع قصة التدمیر، ص ۹۰؛ کشتار مکه، ص ۵۷.

۸. تاریخ آل سعود، ج ۱، ص ۳۰۲.

۱. عجائب الآثار، ج ۲، ص ۵۸۵-۵۸۶.

۲. عجائب الآثار، ج ۳، ص ۱۱، ۴۱۵؛ الدرر السنیه، ص ۴۵.

۳. الدرر السنیه، ص ۴۵.

معروف «حلف الفضول»<sup>\*</sup> آنجا بسته شده بود؛ زادگاه امام جعفر صادق علیه السلام معروف به دار اُبی سعید نزدیک دار العجله؛ خانه حارث بن عبدالمطلب<sup>\*</sup> که انذار عشیره در آن اتفاق افتاد؛ مسجد شق القمر<sup>\*</sup> موسوم به مسجد بلال حبشی که می گویند شق القمر در سال نهم بعثت در آن رخ داده است؛ مسجد ابراهیم علیه السلام بر فراز کوه ابوقیس.<sup>۱</sup>

در مدینه نیز این مساجد تخریب شدند: مسجد بنی عدی در دار النابغه کنار مقبره عبدالله بن عبدالمطلب؛ مسجد بنی ظفر در شرق بقیع که به نظر برخی، سوره مائده در آنجا بر پیامبر نازل شد و از این رو به مسجد مائده نیز مشهور بوده است؛ مسجد دار سعد بن خثیمه در کنار مسجد قبا؛ مسجد بنی حارثه، کمی پایین تر از مسجد شیخان؛ مسجد عرفه پشت مسجد قبا؛ مسجد حمزه سیدالشهداء علیه السلام؛ مدفن نخست حمزه علیه السلام؛ مسجد بقیع در قبرستان بقیع<sup>\*</sup> و غرب مدفن عقیل و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در امتداد دیوار غربی بقیع روبه روی قبور ائمه علیهم السلام؛ مسجد بنی ساعده در شمال غربی مسجد النبی؛ سکونتگاه فاطمه صغرا دختر امام حسین علیه السلام که به مسجد تبدیل شده بود؛ مسجد ثنیة الوداع بر فراز کوه ذباب؛ مسجد علی عریضی، سکونتگاه علی بن جعفر برادر امام

موسی کاظم علیه السلام در ۶ کیلومتری مدینه.<sup>۲</sup> افزون بر این مساجد و خانه های تاریخی، به دستور سعودی ها و بر پایه آیین وهابیت، همه مقابر بلندتر از سطح زمین و گنبدها و بارگاه ها، همچون بقعه های قبرستان بقیع، ویران شدند.<sup>۳</sup> می گویند در حمله دوم به حجاز و پس از تصرف مکه، عبدالعزیز قصد داشت بارگاه پیامبر را نیز ویران کند؛ اما با شدت یافتن مخالفت ها از این کار دست کشید.<sup>۴</sup>

◀ **آل سعود و حج:** آل سعود در برگزاری مراسم حج و آیین های زیارتی و عبادی آن نقش های گوناگون داشته اند:

▼ **۱. مشکل آفرینی برای حاجیان و پیشگیری از برگزاری حج:** پس از چیرگی آل سعود بر منطقه حجاز، سختگیری هایی بر حاجیان آغاز شد. سعود بن عبدالعزیز شرط هایی برای کاروان حج مصر و شام قرار داد که تنها با رعایت آن ها اجازه می داد حج بگذارند: هیچ حاکم یا امیری همراهشان نباشد؛ خداوند را با صدای بلند نخوانند و عبارت «یا محمد» را بر زبان نیاورند؛ هر یک از حاجیان ۱۰ سکه طلا بپردازد؛ امیر کاروان مصر و شام در هر سال که برای حج می آیند، هر یک ۱۰ کنیز و ۱۰ غلام سفید هدیه کنند. نیز از ورود

۲. تاریخ و آثار اسلامی، ص ۳۲۸-۳۳۷.

۳. هذیه هی الوهابیه، ص ۱۳۹.

۴. تاریخ آل سعود، ج ۱، ص ۳۰۲.

۱. تاریخ و آثار اسلامی، ص ۱۴۶-۱۵۸.

افراد ریش تراشیده برای ادای حج جلوگیری می‌کردند.<sup>۱</sup>

آل سعود بر پایه تعالیم وهابیت، از ورود کاروان‌هایی که با خود نشان‌ها و شمایل‌هایی را حمل می‌کردند، به بهانه شرك‌آمیز بودن این کار پیشگیری می‌کردند. برای نمونه در یکی از سال‌ها اجازه ورود به محمل شام\* را ندادند<sup>۲</sup> و آن را آتش زدند.<sup>۳</sup> محمل صندوق‌واره‌ای به شکل خیمه بود که علامت و شعار حاجیان شمرده می‌شد<sup>۴</sup> و در واقع وسیله‌ای برای جمع کردن حاجیان بود که حمل آن سنتی قدیمی به شمار می‌رفت؛<sup>۵</sup> اما وهابیان آن را نوعی بت‌پرستی می‌دانستند.<sup>۶</sup> از این رو، در این سال، با اتهام بت‌پرستی به حاجیان شامی، آنان را بدون ادای مناسک حج بازگرداندند.<sup>۷</sup> سال بعد نیز آنان را به دلیل عمل نکردن به شرط‌های پیش گفته، بدون حج برگشت دادند.<sup>۸</sup> حاجیان مصری نیز در سالی دیگر پرده‌ای همراه داشتند که در مصر برای کعبه بافته شده بود و به همین سبب از میانه راه

بازگردانده شدند. همچنین حاجیان مصر، شام و یمن به مدت شش سال بر اثر درخواست عوارض سنگین سفر حج از جانب سعودی‌ها، از ادای فریضه حج بازماندند.<sup>۹</sup>

۲۷. قتل عام حاجیان ایرانی: کشتار بی‌سابقه حاجیان در ایام برگزاری حج به دست آل سعود، از مهم‌ترین رویدادهای معاصر حج است. حاجیان ایرانی در پی برگزاری آیین برائت از مشرکان\* در سال ۱۴۰۷ق. در حرم امن الهی با سلاح‌های گرم و سرد و گازهای سمی سربازان سعودی به شهادت رسیدند. با شهادت حدود ۴۰۰ حاجی، این روز به جمعه خونین\* معروف شد و در پی آن، روابط ایران و عربستان به طور کامل قطع و حج‌گزاری ایرانیان سه سال تعطیل شد.<sup>۱۰</sup> حکومت سعودی نخست بسیار کوشید تا این رخداد را درگیری و نزاع میان حاجیان ایرانی و حجاج دیگر کشورها نشان دهد.<sup>۱۱</sup> سپس ادعا کرد که این حادثه بر اثر انجام وظیفه مأموران امنیتی برای حفظ امنیت و جلوگیری از اغتشاش و آشوب حاجیان ایرانی در مسجدالحرام رخ داده است. اما برپایه ادله مستند و گواهی شاهدان عینی، مراسم برائت با فاصله بسیار از مسجدالحرام و با

۱. تاریخ آل سعود، ج ۱، ص ۳۴.

۲. عنوان المجد، ج ۱، ص ۱۳۹.

۳. تاریخ آل سعود، ج ۱، ص ۳۶.

۴. سید الجزیره، ص ۲۴۷.

۵. جزیره العرب، ص ۲۲۱.

۶. سید الجزیره، ص ۲۴۷.

۷. کشتار مکه، ص ۵۷.

۸. جزیره العرب، ص ۲۲۱.

۹. تاریخ آل سعود، ج ۱، ص ۳۵.

۱۰. شناخت عربستان سعودی، ص ۱۳۳؛ روایت حج خونین،

ص ۲۴-۳۵.

۱۱. مجزرة مکه، ص ۷۲.

طرح پیشین بود، در زمان ملک فهد به سال ۱۴۰۹ق. آغاز شد.<sup>۵</sup> کعبه نیز دو بار تعمیر گشت: نخست در سال ۱۳۷۷ق. که ملک عبدالعزیز سقف قدیم کعبه را برداشت و سقفی جدید برایش بنا کرد. نیز همو در سال ۱۳۶۶ق. در جدیدی برای کعبه ساخت.<sup>۶</sup> این در به دست عبدالرحیم امین بحاری مکی در ۱۵ ذی حجه نصب شد.<sup>۷</sup> در تعمیر دوم که به سال ۱۴۱۷ق. به دست ملک فهد انجام گشت، قسمت‌هایی از کعبه بازسازی شد.<sup>۸</sup>

ب. توسعه مسجد نبوی: همانند مسجدالحرام، مسجد نبوی نیز در دوره در زمان سعودیان توسعه یافت. ملک عبدالعزیز در سال ۱۳۴۸ق. دستور داد اصلاحاتی در آن صورت گیرد و در سال ۱۳۷۰ق. طرح توسعه آن را ارائه داد. انجام این طرح در سال ۱۳۷۲ق. به دست پسرش سعود آغاز شد.<sup>۹</sup> این توسعه در زمان ملک فیصل و خالد بن عبدالعزیز نیز ادامه یافت. پاکسازی چاه زمزم را هم می‌توان اقدامی در مسیر توسعه و ترمیم حرمین دانست. بزرگ‌ترین پاکسازی این چاه در تاریخ ۱۳۹۹/۵/۲۸ق. تا ۱۳۹۹/۷/۲۵ق.

۵. رعاية الحرمين، ص ۲۳-۴۳.

۶. رعاية الحرمين، ص ۱۹-۲۲.

۷. سلطان نجد، ص ۲۹۲.

۸. سلطان نجد، ص ۶۲.

۹. سلطان نجد، ص ۳۱-۳۲.

آرامش و دور از هرگونه بی‌نظمی و آشوب در حال انجام بود.<sup>۱</sup> پس از این کشتار، با وجود تلاش‌های تبلیغاتی گسترده رژیم سعودی، توجه بسیاری از رسانه‌ها و محافل عمومی مسلمانان بر موضوع آینده حرمین و عدم صلاحیت آل سعود برای تصدی حج متمرکز گشت.<sup>۲</sup>

۳. توسعه و بازسازی حرمین: در دوره آل سعود اقدامات عمرانی بسیار برای توسعه مکان‌های زیارتی و دینی مکه و مدینه به انجام رسیده است:

ا. توسعه مسجدالحرام و بازسازی کعبه: مسجدالحرام و کعبه شاهد بازسازی‌ها و ترمیم‌هایی در دوره‌های مختلف بوده است. در دوره آل سعود، ملک عبدالعزیز کارهای گوناگون در زمینه معماری کعبه، حرم مکی، چاه زمزم، مسجدها و... انجام داد.<sup>۳</sup> وی اولین بار در سال ۱۳۴۴ق. مسجدالحرام را بازسازی کرد و طرح توسعه گسترده‌ای تنظیم نمود<sup>۴</sup> که در زمان سعود بن عبدالعزیز آغاز شد و سپس ملک فیصل آن را ادامه داد. در زمان خالد بن عبدالعزیز در سال ۱۳۹۶ق. اجرای این طرح به پایان رسید. طرح دوم توسعه که بزرگ‌تر از

۱. مجزرة مکه، ص ۷۷-۱۰۷؛ روایت حج خونین، ص ۳۹-۱۲۷.

۲. کشتار مکه، ص ۷۵.

۳. اعمال الملك عبدالعزیز، ص ۱۱.

۴. رعاية الحرمين، ص ۱۵.

انجام شد. در این پاکسازی، افزون بر گل و لای و سنگ، انبوهی از ظرف‌های سفالی، سطل‌های چرمی و پلاستیکی، ظرف‌های قدیمی و عجیب، پول، چاقو، شاخ بز، انگشتر و... از چاه بیرون آمد و از آن پس، میزان آبدهی چاه بهبود یافت.<sup>۱</sup>

۴. ج. **ساخت کارگاه پرده‌بافی:** از کارهای دیگری که در دوره سعودی‌ها انجام شد، ساختن نخستین کارگاه پرده‌بافی\* در مکه به سال ۱۳۴۶ق. به دستور ملک عبدالعزیز بود.<sup>۲</sup> نخستین پرده محصول این کارگاه در همین سال بافته شد. دومین کارگاه پرده‌بافی نیز به سال ۱۳۹۷ق. در ام‌الجود به بهره‌برداری رسید.<sup>۳</sup>

۵. د. **تغییر شیوه نماز جماعت در مسجدالحرام:** مرسوم بود در مسجدالحرام نماز جماعت به امامت چهار امام از مذاهب چهارگانه، جداگانه برگزار می‌شد. ملک عبدالعزیز این سنت را برچید و دستور داد که در هر نوبت تنها یک نماز جماعت برگزار شود؛ به این ترتیب که در هر نوبت امامی از یک مذهب، نماز بگذارد. اکنون امام جماعت تنها از میان وهابیان انتخاب می‌شود.<sup>۴</sup>

۵. ه. **ایجاد نظام اداری برای کارهای**

**حج و امکانات رفاهی برای حاجیان:** در زمان عبدالعزیز تنظیمات اداری گسترده و خدمات رفاهی در زمینه بهداشت، اسکان، تأمین آب و غذا، و گسترش راه‌ها و وسایل حمل و نقل برای بهبود حال حاجیان صورت گرفت.<sup>۵</sup> البته بودجه این امکانات از مالیات‌های خود حاجیان تأمین می‌شد و آنان معمولاً از میزان این مالیات ناراضی بوده‌اند.<sup>۶</sup> شریف مکه اگر چه از جانب عثمانی انتخاب می‌شد، مستقل عمل می‌کرد و سازماندهی اداری منظم و کاملی نداشت. پس از تسلط سعودی‌ها بر حجاز، عبدالعزیز اقداماتی برای تکامل دستگاه اداری حج انجام داد و به همین منظور «الادارة العامة للحج»<sup>\*</sup> را تأسیس کرد. نیز دو نمایندگی در مدینه و جده برای کارهای حج در نظر گرفته شد.<sup>۷</sup> همچنین در تاریخ ۱۳۴۵/۳/۲۰ق. «نظام ادارة الحج» در ۴۲ ماده تنظیم شد.<sup>۸</sup> اقدام‌های رفاهی برای حاجیان در دوره سعودی، به ویژه زمان عبدالعزیز، در زمینه سازماندهی حمل و نقل، اسکان، درمان و تشکیل هیئت‌های نظارت بر کارهای حاجیان بود.<sup>۹</sup>

در کنار اقدامات عمرانی سعودی‌ها، وجود

۵. التنظيمات الداخلية، ص ۳۸۱-۴۸۵.

۶. تاریخ نجد الحديث، ص ۳۵۳.

۷. مرافق الحج، ص ۴۶.

۸. مرافق الحج، ص ۴۸.

۹. سلطان نجد، ص ۶۸۴-۶۸۵.

۱. سلطان نجد، ص ۷۲.

۲. الرحلة السعودية، ص ۲۱۸.

۳. الرحلة السعودية، ص ۱۷، ۲۷.

۴. رعاية الحرمين، ص ۱۵.

### ◀ منابع

آل سعود الاصل و السلوك: محمد مظفر الادهمی، بغداد، دار الشئون الثقافية العامة، ۱۹۹۹م؛ الاسلام والوثنية السعودية: فهد القحطانی، منظمة الثورة الاسلاميه، ۱۴۰۶ق؛ اسناد روابط ایران و عربستان سعودی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ش): علی محقق، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹ش؛ اعمال الملك عبدالعزيز المعمارية: ناصر علی الحارثی، ریاض، دار ملک عبدالعزيز، ۱۴۲۵ق؛ البقیع قصة تدمير آل سعود للآثار الاسلامية فی الحجاز: یوسف الهاجری، مؤسسة البقیع، ۱۴۱۱ق؛ تاریخ آل سعود: ناصر سعید، دار مکه المکرمة، ۱۴۰۴ق؛ تاریخ الحجاز السياسي: وهيب طالب محمد، بیروت، دار العربية للموسوعات، ۱۴۲۷ق؛ تاریخ المملكة العربية السعودية: صلاح الدين مختار، دار مكتبة الحياة، ۱۳۹۰ق؛ تاریخ امراء مکه المکرمة: عارف عبدالغنی (م)، ۱۳۴۴ق)، دار البشائر، ۱۴۲۳ق؛ تاریخ الجزيرة العربية فی حياة الشيخ محمد بن عبدالوهاب: حسین خلف شیخ خزعل، مكتبة الهلال؛ تاریخ عرب در قرون جدید: لوتسکی، ترجمه: پرویز بابایی، چاپار شاهرزاد، ۱۳۵۴ش؛ تاریخ معاصر کشورهای عربی: فرهنگستان علوم شوروی، ترجمه: محمد حسین شهری، آوا، ۱۳۶۰ش؛ تاریخ نجد الحديث و ملحقاته: امین الريحانی، بیروت، المطبعة العلمية ليوسف صادر، ۱۹۲۸م؛ تاریخ نجد و دعوة الشيخ محمد بن عبدالوهاب: عبدالله فيليبي، ترجمه: عمر الديراوی، بیروت، المكتبة الاهليه؛ تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمة و مدینه منوره: اصغر قائدان، تهران، مشعر، ۱۳۷۴ش؛ التنظيمات الداخلية فی مکه المکرمة: منی بنت قائد آل ثابتة القحطانی، ریاض، دار الملك عبدالعزيز، ۱۴۲۶ق؛ جزيرة العرب فی القرن العشرين: حافظ وهبة، قاهره،

برخی نواقص و مشکلات هر ساله سبب وقوع حوادثی برای حاجیان در منا و عرفات و دیگر مشاهده می‌شود که فاجعه‌بارترین آن‌ها آتش‌سوزی سال ۱۳۵۳ شمسی بود که بسیاری از حجاج را به کام مرگ کشید. پس از این آتش‌سوزی، پیکرهای سوخته با لودر گردآوری و یک جا دفن شدند.<sup>۱</sup> نمونه‌هایی دیگر از آتش‌سوزی در منا نیز گزارش شده است.<sup>۲</sup> در سال ۱۳۸۴ش/۲۰۰۶م. تخریب پل جمرات بر اثر ازدحام جمعیت، به کشته شدن ۳۶۲ نفر و زخمی شدن ۲۸۹ نفر انجامید. نیز در همان سال بر اثر فروریختن یک باب ساختمان چند طبقه در نزدیکی مسجدالحرام ۷۶ نفر از حجاج کشته و ۶۲ نفر زخمی شدند.<sup>۳</sup> دو سال پیش از آن نیز بر اثر سقوط حاجیان از پل جمرات به سبب ازدحام جمعیت، بیش از ۲۴۴ زائر، بیشتر از کشورهای جنوب شرق آسیا، جان باختند. این رویدادهای پیاپی در پل جمرات سبب شد که طرحی جامع برای ساخت پلی پنج طبقه در جمرات تهیه شود که در سال ۲۰۰۹م. به طور کامل گشایش یافت.<sup>۴</sup>

۱. میقات حج، ش ۵۴، ص ۱۵۱، «حج‌گزاری در سال‌های آغازین انقلاب».

۲. نک: میقات حج، ش ۱۷، ص ۱۹۱، «برائت در عرفات»؛ ش ۲۰، ص ۱۵۷، «نامه رئیس سازمان حج به وزیر عربستان».

۳. الشرق الاوسط، جمعة ۱۳ ذو الحجة ۱۴۲۶ق.

۴. الحج و العمرة، ش ۳۹، «احداث پل جدید جمرات، تحویلی در مفهوم مدیریت اجتماعات بزرگ انسانی».

مکتبه النهضة المصریه، ۱۳۴۰ق؛ الحج و العمره: وزارة الحج السعودی، شماره ۳۹؛ خطط الشام: محمد كرد علی، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۳۹۰ق؛ خلاصة الكلام فی بیان امراء البلد الحرام: احمد بن زینی دحلان (م. ۱۳۰۴ق.)، مصر، المطبعة الخیریة، ۱۳۰۵ق؛ در خاورمیانه چه گذشت: ناصرالدین نشاطی، ترجمه: روحانی، تهران، توس، ۱۳۶۷ش؛ الدرر السنیه فی الرد علی الوهابیه: احمد بن زینی دحلان، استانبول، دار الشفقه، ۱۳۹۶ق؛ الرحلة السعودیه الحجازیه النجدیه: محمد سعود الفوری، مکتبه الثقافه الدینیة، ۱۴۲۸ق؛ رعایة الحرمین الشریفین فی عهد خادم الحرمین الشریفین: محمد بن عبدالله بن سبیل، الرياض، مکتبه الملك فهد الوطنیه، ۱۴۲۱ق؛ روابط ایران و عربستان در سده بیستم: حمید احمدی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶ش؛ روابط حج خونین: تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۷ش؛ سرزمین حاکمان: رابرت لیس، ترجمه: فیروزه خلعتبری، شبابوز، ۱۳۶۵ش؛ سلطان نجد و الحجاز و ملک المملکه العربیه السعودیه: عبدالحسین بن صالح الیوسف، ریاض، ۱۴۱۳ق؛ سید الجزیره عبدالعزیز آل سعود: ارمسترونغ، ترجمه: رافد خیشان الاسدی، بیروت، دار الوراق، ۲۰۰۹م؛ الشرق الاوسط: الادارة العامة المملکه السعودیه، شماره ۹۹۰۸؛ شناخت عربستان سعودی: علی محمدی آشنانی، مشعر، ۱۳۸۱ش؛ عجائب الآثار فی التراجم و الاخبار: عبدالرحمن بن حسن الجبرلی، بیروت، دار الجیل؛ عنوان المجد فی تاریخ نجد: عثمان بن بشر، حنبلی، مکتبه الرياض؛ فتنه الوهابیه: احمد بن زینی دحلان؛ قلب الجزیره: هاری سینت فیلی، ترجمه: محمد حسن، قاهره، المجلس الاعلی للثقافه؛ کشتار مکه و آینده حرمین: ظفر بنگاش؛ مجزرة مکة قصة المذبحة السعودیه

للحجاج: فهد المحصلانی، الصفا، ۱۴۰۸ق؛ مذكرات فیلی فی العراق و الجزیره العربیه: هری سنت جان فیلی (م. ۱۹۶۰م)، ترجمه: جعفر الخیاط، بیروت، الدار العربیه للموسوعات، ۱۳۸۷ق؛ مرافق الحج و خدماتها المدنیة فی عهد ملک عبدالعزیز: ولید بن محمد بن احمد جمیل، سلسله مشروع وزارة التعليم العالی للنشر، جامعه محمد بن سعود الاسلامیه، ۱۳۴۳ق؛ میقات حج (فصلنامه): تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت؛ هذه هی الوهابیه: محمد جواد مغنیة، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۶۴م.

فريده منبری



## آل سنان ← سنان، خاندان

## آل شبیه ← بنی شبیه

## آل شیخ: نسل محمد بن عبدالوهاب،

### متولیان رهبری دینی عربستان سعودی

این خاندان، از نسل محمد بن عبدالوهاب، پایه گذار فرقه وهابیت\* و از خاندانهای بزرگ و بانفوذ در عربستان سعودی به شمار می روند که کارهای مذهبی این کشور را بر عهده دارند. پیروان محمد بن عبدالوهاب، خود، از نام «وهابی» پرهیز دارند<sup>۱</sup> و مذهبشان را «محمدیه» می نامند.<sup>۲</sup> تعالیم این مذهب بر

۱. معجم المؤلفین، ج ۱۰، ص ۲۶۹.

۲. دائرة معارف القرن العشرين، ج ۱۰، ص ۸۷۱.